

پژوهش در کلاس درس زبان خارجی

روش‌های ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان بی‌علاقه به درس زبان انگلیسی



Classroom
Techniques

چگونه توانستم یک دانش‌آموز ناامید از درس زبان انگلیسی را به این درس علاقه‌مند کنم؟

محمد احمدوند دبیر زبان انگلیسی سامن (mohammad_ahmadvand2007@yahoo.com)

چکیده

سال گذشته در یکی از کلاس‌هایم با دانش‌آموزی مواجه شدم که در همهٔ دروس عملکردی عالی داشت اما در درس زبان نمره‌هایی معمولی و همراه با نوسانات زیاد می‌گرفت. تصمیم گرفتم به صورت موردی روی او مطالعه کرده و دلیل این مشکلات را پیدا کنم. بعد از بررسی اطلاعات و شواهد، چهار راه‌حل جدید را با تأکید و دقت خاص روی دانش‌آموز مورد نظر در کلاس اجرا کردم. با علاقه‌مند کردن دانش‌آموز مذکور به درس زبان از طریق آموزش روش‌های جذاب و سادهٔ یادگیری زبان، ایجاد حس رقابت در او و سایر بچه‌ها، تشویق فراوان و برجسته‌نمودن نقاط قوت او توانستم دانش‌آموزم را به درس زبان علاقه‌مند کنم و از برق نگاهش که حاکی از لذت یادگیری بود، من هم لذت ببرم.

کلیدواژه‌ها: کارت کوچک، تداعی، حدس، تشویق، رقابت، انگیزه

مقدمه

دانش‌آموز مذکور در آزمون تشخیصی ابتدای سال ۸، در آزمون کتبی برگزار شده از درس اول ۱۸، در پرسش شفاهی صورت گرفته از درس دوم نمره ۱۰، و در آزمون کتبی درس دوم نمره ۹ گرفت. این نوسان در عملکرد برای من جالب بود. ضمن اینکه از مهارت او در خواندن متن و تلفظ کلمات می‌شد فهمید که توانایی یادگیری زبان را در حد بالا دارد. پس من درصدد برآمدم علت این همه نوسان را دریابم و مشکل این دانش‌آموز را حل کنم.

گردآوری شواهد ۱

برای یافتن علت مشکل این دانش‌آموز، ابتدا سوابق او را بررسی کردم. در کارنامهٔ سال اول وی نیز همین نوسان به چشم می‌خورد. برای مثال، نمرهٔ مستمر و پایانی نیمسال اول او به ترتیب ۱۹ و ۱۸، و نمرات مستمر و پایانی نیمسال دومش به ترتیب ۱۶ و ۱۴ بود. در بررسی کارنامهٔ سال قبل او به نکتهٔ جالبی برخوردیم: این افت نمره فقط در درس زبان وجود داشت و در سایر دروس تفاوت درخور ملاحظه‌ای در نمره‌های دو نیمسال

یادگیری زبان انگلیسی برای بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی کاری سخت و عذاب‌آور است. یکی از دلایل مهم این مشکل که به فراگیرندگان زبان مربوط می‌شود، نداشتن درک درست آن‌ها از ماهیت زبان و زبان‌آموزی و دلیل دیگر، تلاش نکردن معلمان و مدرسان آن‌ها برای آشنا ساختن‌شان با زیبایی‌ها، ظرافت‌ها، و مهارت‌های لازم برای یادگیری زبان است. یک دلیل مهم دیگر هم این است که زبان انگلیسی در ایران زبان خارجی است نه زبان دوم؛ یعنی، فراگیرندگان در خارج از مدرسه و دانشگاه نه نیاز چندانی به این زبان دارند و نه فرصتی برای تمرین و به‌کارگیری آموخته‌های خود پیدا می‌کنند.

بیان مسئله (توصیف وضع موجود)

این پژوهش کلاسی روی یکی از دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان شهید بختیاری شهر سامن در استان همدان انجام گرفته است. در ابتدای سال تحصیلی در نمره‌های درس زبان انگلیسی این دانش‌آموز نوسانات زیادی مشاهده می‌شد.

- زبان برای آن‌ها، جذاب هم بودند.
۲. روش تدریس را بر مبنای ایجاد رقابت بین بچه‌ها تغییر دادم.
 ۳. روش تدریس را بیشتر بر تشویق، تقدیر، و جایزه‌دادن به بچه‌ها بنا کردم.
 ۴. نقاط قوت بچه‌ها را در ورقه یادداشت کرده و در زمان‌های مختلف در جمع مطرح کردم تا بچه‌ها احساس خوبی نسبت به درس زبان پیدا کنند.

او مشاهده نمی‌شد. مدیر مدرسه از این دانش‌آموز شناخت کامل داشت. او سال پیش از آن شاگرد سوم کلاس شده بود و در عین حال در فعالیت‌های اجتماعی، هنری و مذهبی بسیار فعال بود. در صحبتی خصوصی که با دانش‌آموز داشتم، خود او هم به این نکته اشاره کرد که فقط در درس زبان مشکل دارد. من هم احساس کردم که نسبت به این درس به نوعی احساس دل‌زدگی، ناامیدی، و سرخوردگی می‌کند. نظر او این بود که کتاب‌های زبان خشک و بی‌روح‌اند و اینکه از یادگیری زبان هیچ لذتی نمی‌برد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات اولیه

با توجه به اطلاعات به‌دست آمده فهمیدم که بزرگ‌ترین مشکل این دانش‌آموز لذت نبردن از درس زبان است. برای حل این مشکل، تصمیم گرفتم کارهایی انجام دهم که باعث علاقه‌مندی دانش‌آموز مذکور و سایر دانش‌آموزان به درس زبان شود. شاید بتوان گفت که در بسیاری از موارد و مسائل آموزشی، حلقه گم‌شده انگیزه است. دانش‌آموزان باید دلایل و انگیزه‌هایی قوی برای دنبال کردن مطالب آموزشی داشته باشند. به گفته یکی از بزرگان، دانش‌آموزان زمانی به یادگیری مطلبی تمایل نشان می‌دهند که یا به موضوع درس علاقه‌مند باشند یا به معلمی که آن را تدریس می‌کند.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که یک معلم می‌تواند انجام دهد، آشنا کردن دانش‌آموزان با روش‌ها و تکنیک‌هایی است که یادگیری درس را برایشان آسان‌تر کند

برای یافتن اطلاعات بیشتر در زمینه ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و روش‌های کاربردی‌تر در تدریس، کتاب‌های «تدریس انگلیسی از طریق انگلیسی» نوشته جین ویلیس، «روان‌شناسی برای معلمان زبان» نوشته ویلیامز و بردن (۱۹۹۷)، «تدریس انگلیسی» نوشته داف (۱۹۸۸)، و مقاله‌های «انگیزه‌دادن به بی‌انگیزه‌ها» نوشته لوسی (۱۹۹۹) و «اصول کلی انگیزش» نوشته ولر (۲۰۰۵) را مطالعه کردم.

انتخاب راه‌حل‌های جدید

برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموز مذکور و ایجاد انگیزه در او اقدامات زیر را انجام دادم.

۱. روش‌هایی به بچه‌ها آموختم که علاوه بر تسهیل یادگیری



اجرای راه حل‌ها

راه حل شماره ۱: یکی از مهم‌ترین کارهایی که یک معلم می‌تواند انجام دهد، آشنا کردن دانش‌آموزان با روش‌ها و تکنیک‌هایی است که یادگیری درس را برایشان آسان‌تر کند. برای یادگیری راحت‌تر، بهتر، سریع‌تر، و ماندگارتر زبان انگلیسی سه روش کارت کوچک، تداعی، و حدس بسیار مؤثرند. دانش‌آموزانی که این روش‌ها را یاد بگیرند و استفاده کنند، نه تنها در یادگیری زبان انگلیسی مشکلی نخواهند داشت بلکه یادگیری برایشان لذت‌بخش هم خواهد بود. روش کارت کوچک این است که دانش‌آموزان ابتدا با تا کردن و برش ورقه‌های امتحانی تعدادی کارت کوچک درست می‌کنند. آن‌ها باید لغاتی را که بلد نیستند، پنج تا پنج تا با تلفظ، روی هر یک از این کارت‌ها بنویسند و در طرف دیگر کارت، معنی کلمه، مترادف یا متضاد کلمه، و جمله‌ای از کتاب را که کلمه موردنظر در آن به کار رفته است، یادداشت کنند. فرایند کارت‌سازی تا پایان سال ادامه پیدا می‌کند. البته هر دانش‌آموز باید با خود عهد ببندد که دست‌کم روزی یک کارت را حفظ کند. برای این کار، او باید لغت‌ها را تکرار کند و با نوشتن مکرر هر کلمه، املاي درست آن را هم یاد بگیرد. البته حفظ کردن لغت و مترادف یا متضاد آن کافی است و لازم نیست جمله‌ها هم حفظ شوند. هدف از آوردن جمله این است که دانش‌آموز کلمه را با کاربرد آن در بافت درست دستوری ببیند. او هر کاردی را که حفظ می‌کند، از خودش امتحان می‌گیرد و در صورت دانستن کلمات کارت، آن را در زیر کارت‌های دیگر می‌گذارد و کارت جدیدی را شروع می‌کند. وقتی دانش‌آموز پنج کارت را حفظ کرد، از کسی می‌خواهد آن پنج کارت را از او بپرسد و در صورت راضی بودن از نتیجه، شروع به یادگیری پنج کارت جدید می‌کند.

بچه‌ها بخصوص در سنین پایین از سه عنصر موسیقی، حرکت، و رقابت لذت می‌برند. اجرای بعضی درس‌ها به صورت مسابقه باعث تحرک و پویایی آن‌ها می‌شود. این کار باعث می‌شود بچه‌ها به درس بیشتر علاقه‌مند شوند

وقتی کارت‌های جدید را حفظ کرد، از دوستش می‌خواهد که ده کارت را از او بپرسد؛ پنج کارت اول و پنج کارت جدید. این روش همین‌طور تا پایان سال تحصیلی ادامه می‌یابد. در پایان سال، می‌بینیم که دانش‌آموز دامنه واژگان خود را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است و واژگان آن‌قدر برایش تکرار

شده‌اند که تا سال‌ها از یادش نخواهند رفت. از این روش برای یادگیری نکات دستوری و مکالمه هم می‌توان استفاده کرد. برای یادگیری بسیاری از لغات انگلیسی از روش تداعی هم می‌توانیم استفاده کنیم؛ به این صورت که بین کلمه‌ای که می‌خواهیم یاد بگیریم و دانسته‌های قبلی خود در زمینه‌های مختلف علمی و اجتماعی، رابطه ایجاد می‌کنیم. با شکستن یک کلمه سعی می‌کنیم قسمتی آشنا در آن پیدا کنیم که ما را به معنی برساند. گاهی برعکس، جزء جدیدی به کلمه اضافه می‌کنیم تا کلمه‌ای آشنا به دست آید. گاهی هم مثالی جالب یا خنده‌دار برای کلمه پیدا می‌کنیم. گاهی تاریخچه به‌وجود آمدن یک کلمه به ما کمک می‌کند و گاهی از زبان مادری خود، چه فارسی باشد چه ترکی، لری، کردی یا عربی، برای یادگیری یک کلمه استفاده می‌کنیم. گاهی با کلمه بازی می‌کنیم و گاهی به صدا، ریتم یا موسیقی آن توجه می‌کنیم. گاهی الگوهای جذابی در بین کلمات پیدا می‌کنیم که باعث می‌شود آن کلمه یا کلمات در ذهن ما بمانند. نتیجه کار شگفت‌انگیز است. لغاتی که ما به این شکل و با روش تداعی یاد می‌گیریم، شاید دیگر هرگز از یادمان نروند!

روش آخر هم حدس است. در این روش دانش‌آموز باید یاد بگیرد که کمک معنی کلمات اطراف و با استفاده از اطلاعات قبلی که از موضوعات دارد، معنی کلمه جدید را حدس بزند. من دو جلسه از وقت کلاس را برای یاد دادن این تکنیک‌ها به بچه‌ها اختصاص دادم و علاوه بر آن لغات جدید تمام دروس را براساس روش حدس (هم به صورت انفرادی و هم گروهی) با بچه‌ها و در کلاس کار کردم.

راه حل شماره ۲: برای ایجاد رقابت بین بچه‌ها، چه به صورت انفرادی چه گروهی، به فرد یا گروهی که بهتر کار می‌کرد، امتیاز مثبت بیشتری می‌دادم. روش دقیقی هم برای پرسش شفاهی طراحی کردم که براساس دادن امتیاز مثبت یا منفی پیش می‌رفت. در این روش هر کس امتیاز مثبت بیشتری می‌گرفت، بالاترین نمره مستمر را در کلاس دریافت می‌کرد. از طرفی، برای شرکت در مسابقات علمی و المپیادها امتیاز قائل شدم تا بچه‌ها با رغبت بیشتری در این رقابت‌ها شرکت کنند. کسانی که در این آزمون‌ها به نیمی از سؤالات پاسخ درست می‌دادند، دو امتیاز مثبت جایزه می‌گرفتند و به ازای هر ده درصد بالاتر، یک امتیاز مثبت اضافه می‌گرفتند؛ مثلاً اگر کسی ۶۰ درصد درست جواب می‌داد، سه مثبت جایزه می‌گرفت. البته کسانی که در مدرسه یا منطقه رتبه کسب می‌کردند، باز هم امتیاز مثبت بیشتری دریافت می‌کردند. برای ترغیب بچه‌ها به فعالیت‌های خارج از کلاس، به کسانی که به آموزشگاه‌های زبان می‌رفتند و کارنامه ارائه می‌دادند هم امتیاز مثبت می‌دادم.

راه حل شماره ۳: در تمام فرایندهای کلاسی، به هر عملکرد مثبت، از جمله حدس زدن درست کلمات جدید، پاسخ دادن به پرسش‌های شفاهی یا شرکت در المپیادها و کلاس‌های زبان با امتیاز مثبت پاسخ می‌دادم. هرگونه پیشرفت دانش‌آموزان را با صدای بلند و در جمع مطرح می‌کردم و می‌کوشیدم ضعف‌ها و خطاهایشان را به‌طور خصوصی به آن‌ها تذکر دهم. در این کار مهم است که عملکرد فرد مورد تشویق یا تذکر قرار بگیرد نه شخصیت او. دانش‌آموز مذکور علاوه بر اینکه بارها در جمع تشویق شد، حتی جایزه‌ای مالی هم از طرف گروه‌های آموزشی (که من سرگروه یکی از آن‌ها بودم) دریافت کرد.

گاهی هم خودم در برخورد با او از پیشرفت‌هایش اظهار رضایت می‌کردم که این امر موجب علاقه‌مندی بیشتر وی و بالارفتن اعتمادبه‌نفس وی شد. یک روز هم که والدینش برای شرکت در جلسه اولیا و مربیان به مدرسه آمده بودند، پیشرفت‌های او را برای آن‌ها توضیح دادم و از آنان خواستم که در خانه به این نکته اشاره کرده و هر طور صلاح می‌دانند، او را تشویق کنند.

راه حل شماره ۴: در طول دو ماه اول، نقاط قوت هر کس را یادداشت می‌کردم و بارها بر این نقاط قوت تأکید می‌کردم؛ مثلاً: بعضی بچه‌ها تلفظ خوبی دارند، بعضی دست‌خط خوبی دارند، بعضی در انجام دادن تکالیف مرتب عمل می‌کنند و... دانش‌آموز مذکور علاوه بر تلفظ خوبش، در یادگیری معانی لغات هم استعداد خوبی داشت. تأکید بر نقاط قوت بچه‌ها اعتمادبه‌نفس آن‌ها را بالا می‌برد. ضمناً ذکر نکته‌ای درباره بچه‌ها به آن‌ها می‌فهماند که معلم حتی به نکات ریز عملکرد آن‌ها دقت می‌کند و اهمیت می‌دهد.

گردآوری شواهد ۲ (پس از اجرای راه حل‌ها)

منابع شواهد ۲ عبارت بودند از نمره‌های مستمر کلاسی (سؤال‌های شفاهی و آزمون‌های کوچک کتبی)، نمره آزمون میان‌سال، و نتیجه مسابقه علمی که در مدرسه توسط مدیر و با همکاری دبیران انجام شد. دانش‌آموز مذکور در تمام این موارد پیشرفتی بدون نوسان داشت. در تمام پرسش‌های شفاهی (به غیر از یک مورد که برای شرکت در مسابقه‌ای به همدان رفته بود و آماده نبود) مثبت می‌گرفت، هر دو نمره مستمر و پایانی نوبت اول او ۱۸ بود، و در مسابقه علمی مدرسه در درس زبان دومین نمره کلاس را گرفت. در دومین جلسه اولیا و مربیان که بعد از نوزد برگزار شد، مادر دانش‌آموز مذکور برای تشکر به دفتر آمد و اظهار خوشحالی می‌کرد که برخلاف گذشته، کتاب زبان را بیشتر در دست او می‌بیند و او دائم در حال استفاده

از کارت‌های کوچک است؛ حتی در مهمانی‌های خانوادگی. دانش‌آموز یاد شده به عنوان نمره مستمر نوبت دوم ۱۹ و در آزمون پایانی نوبت دوم ۱۸/۵ گرفت. فاصله ناچیز نمره‌های او نشان‌دهنده ثبات وی در درس زبان بود و بالا بودن نمره‌هایش علاقه‌مندی او را به این درس نشان می‌داد. جدول شماره ۱ خلاصه نمره‌های شواهد ۱ و ۲ است.

جدول ۱. نمرات شواهد ۱ و ۲

مرحله	آزمون تشخیصی	آزمون کتبی	آزمون شفاهی	آزمون کتبی	مستمر نوبت اول	پایانی نوبت اول	مستمر نوبت دوم	نمره پایانی نوبت دوم
شواهد ۱	۸	۱۸	۱۰	۹				
					۱۹	۱۸	۱۶	۱۴
شواهد ۲					۱۸	۱۸	۱۹	۱۸/۵

ارزشیابی

دفتر یک معلم بهترین اطلاعات را برای قضاوت در اختیار او قرار می‌دهد. براساس آنچه برای دانش‌آموز مذکور ثبت کرده بودم، مشخص بود که راه‌حل‌های پیشنهادی مؤثر واقع شده‌اند. نمره‌های او رو به بهبود بودند و مهم‌تر اینکه دیگر نوسان نداشت. این نشان می‌داد که وی به ثبات فکری در مواجهه با درس زبان رسیده و به این درس علاقه‌مند شده است. از طرفی، والدینش هم اظهار رضایت می‌کردند. مهم‌تر از هر چیز برق نگاهش بود که نشان می‌داد حالا درس زبان انگلیسی را دوست دارد.

برای اینکه ببینم راهکارهای من چقدر مؤثر بوده‌اند، تصمیم گرفتم دو کار انجام دهم: یکی اینکه نمره‌های دو دانش‌آموز دیگر را هم بررسی و با آن‌ها صحبت کنم تا ببینم این روش‌ها چقدر در کار آن‌ها مؤثر بوده است. با توجه به اینکه این روش‌ها را به صورت عمومی و برای کل کلاس اجرا کرده بودم، نتایج سایر دانش‌آموزان هم می‌توانست به من کمک کند. دیگر اینکه تصمیم گرفتم سال بعد همین روش‌ها را در مورد دانش‌آموزانی که مشکلات مشابهی دارند، به کار بگیرم و نتیجه را با نتایج فعلی مقایسه کنم.

پیشنهادهای نهایی

۱. بهتر است معلمان روش‌ها و تکنیک‌هایی را که یادگیری درشان را برای بچه‌ها آسان‌تر می‌کند به آن‌ها یاد دهند. بهتر است به جای دادن ماهی به بچه‌ها، ماهیگیری را به آن‌ها یاد بدهیم.

۲. بچه‌ها بخصوص در سنین پایین از سه عنصر موسیقی، حرکت، و رقابت لذت می‌برند. اجرای بعضی درس‌ها به صورت مسابقه باعث تحرک و پویایی آن‌ها می‌شود. این کار باعث می‌شود بچه‌ها به درس بیشتر علاقه‌مند شوند.

معلم موفق کسی است که هم دانش آموزان را با روش‌های مختلف آشنا کند، و هم آن‌ها را به موضوع درس خود علاقه‌مند کند، و با نشان دادن شخصیتی والا از خود آن‌ها را شیفته شخصیت خود سازد

۳. بچه‌ها باید برای عملکرد خود از معلم بازخورد ببینند. البته از آنجا که همه انسان‌ها تعریف و تشویق را بیشتر می‌پسندند، بهتر است از روش تشویق برای هرگونه پیشرفت استفاده کنیم و استفاده از تذکر و تنبیه را به کمترین میزان برسانیم.

۴. نقاط قوت بچه‌ها را تقویت و در جمع مطرح کنیم و نقاط ضعف آن‌ها را بزرگ نکنیم.

۵. معلم موفق کسی است که هم دانش‌آموزان را با روش‌های مختلف آشنا کند، و هم آن‌ها را به موضوع درس خود علاقه‌مند کند، و با نشان دادن شخصیتی والا از خود آن‌ها را شیفته شخصیت خود سازد. اگر دانش‌آموزان کاربرد درسی را در زندگی روزمره خود ببینند یا به لذت یادگیری ایمان بیاورند، بهتر درس می‌خوانند.

منابع

- Doff, A. (1988). *Teach English*. England: Cambridge University Press.
- Luce, R.W. (1999). *Motivating the unmotivated*. Available online: <http://honolulu.hawaii.edu/intranet/Committees/FacDevcom/guidebk/teachtip/unmotivata.htm>
- Williams, M. and Burden, R.L. (1997). *Psychology for Language Teachers*. Uk: Cambridge University Press.
- Weller, M. (2005). *General Principles of Motivation*. Available online: <http://honolulu.hawaii.edu/intranet/Committees/FacDevcom/guidebk/teachtip/motivate.htm>
- Willis, J. (1981). *Teaching English through English*. Essex: Longman Group Ltd.